

شما رایگان برای من کار کن و بنده من باش! این استعمار سیاسی، محصول توسعه تکاثری مذموم است.

این که می‌گوییم غرب همه چیز دارد، به این خاطر است که سالیان متمادی این‌ها خاورمیانه و خاور دور را غارت کردند. خود آن‌ها -مثل انگلیسی‌ها- نه نفت دارند و نه گاز. اما سال‌های متمادی منابع را از ایران و هند و کشورهای خاورمیانه می‌بردند.

دلیل دیگری که برای ضرورت پیگیری تحقق توسعه کوثری وجود دارد این است که اگر بخواهیم مردم را با زهد اداره کنیم، ممکن است یک اقلی بپذیرند و گرنه اکثر مردم تحمل آن را ندارند. ما شنیده‌ایم که «کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَآفٍ اسْتَفْتَنِي». اما این را نشنیده‌ایم و برای اولین بار است که می‌شنویم: اگر کسی ببیند فقیر است، طغیان می‌کند. منتها در آن جا طغیان می‌کند «علی المستضعفين»؛ در این جا اگر جامعه ببیند فقیر است، طغیان می‌کند «علی الحکام و علی الامراء». این حرف ممکن است تازه به نظر

برسد. ولی اگر یک لحظه فکر کنیم می‌بینیم چیز جدیدی نیست. کجا فقرا می‌توانند فقر را همیشه تحمل کنند و شورش نکنند؟

اباذر که گفت: اگر فقر از دری آمد، ایمان از در دیگر خارج می‌شود، این را از بیان نورانی خود پیغمبر استفاده نموده است. مرحوم کلینی در جلد پنجم کافی باب الإستعانة فی الدنيا علی الآخرة ۱۵ حدیث دارد. حدیث سیزدهم این باب شریف طیب و طاهر این است که رسول الله (ص) به خدا عرض می‌کند: خدایا نان مملکت را زیاد کن! چون اگر نان مملکت نباشد، نه نماز می‌خوانیم و نه روزه می‌گیریم و نه... شما می‌خواهید کسی را نهی از منکر کنید، اما او زیر بار نمی‌رود و علیه دولت حاکم شورش می‌کند.

مطلب بعدی آن است که غنا و فقر در هر عصری فرق می‌کند. الگوی ما یک اصل کلی است که در هر عصر و مصری برای عقلا ملاک است. شاهد آن هم بیان نورانی امام صادق علیه السلام است که سفیان ثوری اعتراض کرد که علی ابن ابی طالب آن پیراهن را داشت و شما این لباس را می‌پوشید؟ حضرت فرمود: آن حضرت در یک عصر دیگری بود که فقر گسترده بود. الآن که وضع مسلمان‌ها خوب است، باید لباس خوب بپوشم، و گرنه مورد اعتراض قرار می‌گیرم. این نمونه‌ای برای ماست.

بیان نورانی حضرت امیر علیه السلام برای طاعت در مصرف است، نه حرمت در مصرف. مثل این که در دین، چادر حجاب برتر است. آن هم یک اقتصاد برتر است. جلوی آن زهد هم که در سخنرانی‌ها و کتاب‌ها گفته می‌شود، گرفته نشده اما کشور را نمی‌توان با آن اداره کرد. گاهی شما می‌خواهید مثل حوزه علمیه خواص تربیت کنید، آن راه دیگری دارد. اما اگر بخواهید توده مردم را بهرورانید که حافظ دین و دیگران باشند و دین‌شان محفوظ بماند، راهش این است که یک اقتصاد متوسط، یک دین متوسط و یک عبادت متوسط را به ایشان بدهید. بنابراین هم بحث‌های علمی را باید از بحث‌های مدیریتی جدا کرد و هم خواص را از توده مردم.

در توسعه پایدار باید به فکر نسل آینده باشیم و باید توسعه‌مان کوثری باشد تا این منظور، محقق شود. ما می‌خواهیم نسل آینده شکم‌شان تأمین و دین‌شان محفوظ باشد. بیان نورانی از وجود مبارک امام صادق علیه السلام است که اگر خدای ناکرده کسی از راه حرام بخواهد چیزی تهیه کند، مال حرام ولو در نوه نشد، بالاخره در نتیجه یا نبیره او اثر می‌کند. صاحب وسایل رضوان الله تعالی علیه در جلد ۱۷ از ابن زبهره نقل می‌کند که «لقمه» بر «نطفه» اثر دارد. گاهی نسل پنجم یا ششم آسیب می‌بیند. بنابراین ما توسعه پایداری می‌خواهیم که آینده را در نظر داشته باشد تا مال و دین آیندگان هم تأمین باشد. اگر کسی غذای حرامی بخورد، در آینده اثر دارد؛ تا چه رسد که آینده خودش بخواهد غذای حرامی بخورد. روایت این است که اگر کسی الآن غذای حرامی بخورد، اثر آن در ذریه او ظاهر می‌شود، نه این که مال حرام فراهم کند برای ذریه!

بنابراین مشخصه‌های توسعه کوثری از مشخصات توسعه تکاثری کاملاً متمایز است؛ آدم باید از هر جهت مواظب باشد

آیه ۶۱ سوره مبارکه هود، فرموده است: ما شما را خلق کردیم برای استعمار. «استعمار» از پاک‌ترین واژه‌های قرآنی است که به صورت پلیدترین واژه‌های سیاسی درآمده است. در این آیه کریمه می‌فرماید: او شما را از زمین آفریده و بالا برده و شما را استعمار کرده است. مستعمر یعنی خواهان عمارت. خداوند همه امکانات را برای ما فراهم کرد و از ما خواست زمین را آباد کنیم؛ آقای خودمان باشیم و نیازمند دیگری نباشیم.

واجبات و حتی مستحبات را هم انجام دهد اما مرتب سعی کند که صرفه‌های سرمایه‌اش را اضافه کند و مزدور زیاد داشته باشد، به این آیه عمل نکرده است. زیرا آیه می‌گوید انسان فقط و فقط باید خدا را عبادت کند!

آیه کریمه حاوی دو قضیه است که جمع هر دو، مفید حصر است. یعنی انسان فقط باید عبادت کند. ما به یقین می‌دانیم که منظور این نیست که فقط نماز بخواند. چون در آیه سوره جمعه فرمود: نماز جمعه‌تان که تمام شد، دنبال کسب‌تان بروید. حتی روز جمعه! معلوم می‌شود که منظور از عبادت این نیست که دائم در مسجد باشید. می‌فرماید حتی بعد از نماز جمعه دنبال کارتان بروید. بنابراین ما موظفیم شبانه‌روز عبادت کنیم. روایات فراوانی هست که بی‌کاری و تنبلی را نهی کرده است. کراهت بی‌کاری، کراهت تنبل بودن، کراهت فارغ بودن، کراهت اجیر شدن و... جزو معارف و مبانی دینی ماست. هم باید کار کنیم و هم حیثیت کسی را زیر سؤال نبریم.

زیرا اگر توسعه پایدار و همه‌جانبه شد، مزدور هم مثل ما کار می‌کند، چرا مزدور ما شود؟

پرهیز از مصرف‌گرایی

یک شاخص دیگر در مذمت توسعه تکاثری این است که توسعه تکاثری همان گونه که در تولید توسعه دارد، در مصرف هم توسعه دارد. اما قرآن کریم جلوی این مسأله را می‌گیرد؛ جلوی عده‌ای را که چشم و هم‌چشمی شدیدی دارند. این توسعه، تکاثر مذموم است. زیرا محصول آن مصرف‌گرایی به گونه‌ای است که نشان دهد اتومبیلش، خانه‌اش، فرشش و لوازمش چه قیمت است.

در همین راستا مرحوم صاحب وسایل در باب مسکن روایاتی نقل کرده است. در یک جا دارد که اگر خانه از فلان حد بگذرد -با توجه به این که هر خانه‌ای معیار خاصی دارد- فرشته‌ها می‌گویند: «یا افسق الفاسقین، این ترید؟» یک وقت است که ده نفر، ۱۰ واحد آپارتمانی دارند؛ آن‌ها مشمول نقد فرشته‌ها نیستند. برای این که ده نفرند، اما گاهی یک نفر مرتب می‌سازد و بالا می‌رود؛ این تکاثر است.

لزوم و ضرورت توسعه کوثری

توسعه کوثری محمود، برابر رفاه است. اما در این جا یک سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا این گونه توسعه، جایز است یا لازم؟ آیا صرف جواز است یعنی فقط توسعه حرام نیست اما می‌توانیم به توسعه نائل بشویم و می‌توانیم چنین کاری نکنیم؟ یا این که بر اساس مبانی و معارف اسلامی، بر فرد و جامعه اسلامی لازم است که الگوی توسعه کوثری را عینیت بخشند؟

در آیه ۶۱ سوره مبارکه هود، ذات اقدس الهی فرموده است: ما شما را خلق کردیم برای استعمار: «هو أنشأكم من الأرض و استعمركم فيها». «استعمار» از پاک‌ترین واژه‌های قرآنی است که به صورت پلیدترین واژه‌های سیاسی درآمده است. در این آیه کریمه می‌فرماید: او شما را از زمین آفریده و بالا برده و شما را استعمار کرده است. مستعمر یعنی خواهان عمارت. قداست این واژه در قرآن برای این است که ذات اقدس الهی با منابع زیرزمینی و با برکات روزمینی، همه امکانات را در زمین خلق کرده است. او در زمین آب پاک و پاکیزه قرار داد؛ چه در درون و چه در بیرون؛ چه به صورت دریا و چه به صورت چشمه و چاه. بنابراین زمین هم حاصل خیز شد. خداوند تعالی از بالا باران فرستاد و برکات داد و به ما هم عقل و قدرت و استعداد و امکانات داد. همه امکانات را برای ما فراهم کرد و از ما خواست زمین را آباد کنیم؛ آقای خودمان باشیم و نیازمند دیگری نباشیم. بنابراین ذات اقدس اله از ما طلب کرده که زمین را آباد کنیم. منتها همان طور که در مورد مسجد آمده است که «إنما يعمر مساجد الله من آمن بالله». این می‌شود استعمار قرآنی که بسیار مقدس است. اما همین واژه پُربرت قرآنی را دیگران مصادره کردند و جزو پلیدترین واژه‌ها درآوردند. معنای استعمار سیاسی آن است که امکانات و منابع، مال من؛ و

دلیل دیگری برای ضرورت پیگیری تحقق توسعه کوثری این است که اگر بخواهیم مردم را با زهد اداره کنیم، اکثر مردم تحمل آن را ندارند. این حرف ممکن است تازه به نظر برسد. ولی اگر یک لحظه فکر کنیم می‌بینیم چیز جدیدی نیست. کجا فقرا می‌توانند فقر را همیشه تحمل کنند و شورش نکنند؟ البته جلوی آن زهد هم که در سخنرانی‌ها و کتاب‌ها گفته می‌شود، گرفته نشده اما کشور را نمی‌توان با آن اداره کرد.